



اخبار فرهنگی

دیدار مدیران هنرهای نمایشی با اکبر زنجانیور



رضا مردانی، مدیرکل هنرهای نمایشی و سعید اسدی، مدیرعامل انجمن هنرهای نمایشی ایران، با اکبر زنجانیور، بازیگر و کارگردان برجسته تئاتر، سینما و تلویزیون دیدار کردند و از ده‌ها تلاش خستگی‌ناپذیر این هنرمند پیشکسوت در اعتلای هنرهای نمایشی ایران تقدیر کردند. در این دیدار، دکتر سعید اسدی با تقدیر از یک عمر فعالیت مستمر و حرفه‌ای استاد زنجانیور، ایشان را نمونه‌ای ارزشمند از یک هنرمند سخت‌کوش، متعهد و حرفه‌ای برای نسل جدید هنرمندان تئاتر دانست و تأکید کرد که استمرار حضور چنین هنرمندانی سرمایه‌ای بزرگ برای فرهنگ و هنر کشور است. زنجانیور در این دیدار، با ابراز خوشحالی از حضور مدیران کاربلد و آشنا به مسائل تئاتر، به بیان برخی دغدغه‌ها و مشکلات جامعه هنری پرداخت و خواستار تسهیل شرایط برای اجرای آثار نمایشی شد. وی همچنین بر لزوم توجه جدی‌تر به کیفیت آثار و در نظر گرفتن شاخص‌های هنری به‌عنوان ملاک اصلی ارزیابی تئاتر حرفه‌ای تأکید کرد. / **ایران تئاتر**

بازگشت گلاب آدینه

به صحنه بعد از ۷ سال دوری



گلاب آدینه بعد از ۷ سال دوری از عرصه بازیگری تئاتر با نمایش «هم این- هم آن» به صحنه بازمی‌گردد. این نمایش نوشته و کار سعید خیرآبادی است که به تهیه‌کنندگی شبیرپرستار از هفته دوم مرداد ماه در تماشاخانه ملک روی صحنه می‌رود. آدینه که در سال‌های گذشته بیشتر در حوزه کارگردانی فعال بوده، آخرین بار بهار سال ۹۷ با بازی در نمایش «نیرهای خان با باطله» به نویسندگی و کارگردانی افشین هاشمی روی صحنه بود و در سال‌های گذشته نمایش‌های «بانوی محبوب من»، «برده‌خانه» و «جشنواره القبا» را به عنوان کارگردان اجرا کرد. / **ایستا**

نگاهی نو در برنامه‌ریزی

و ارتقای فعالیت ارکسترها



نشست شورای هنری ارکست‌های سمفونیک تهران و موسیقی ملی ایران با حضور مدیرعامل بنیاد رودکی و اعضای جدید شورا برگزار شد. شورای هنری ارکست‌ها به عنوان مرجعی تخصصی در زمینه انتخاب رپرتوارهای مؤثر، دعوت از رهبران میهمان و استفاده بهینه از توان حرفه‌ای نوازندگان، نقش کلیدی در سیاست‌گذاری هنری ارکست‌ها ایفا می‌کند. هدف از این اقدامات، ارتقای جایگاه ارکست‌ها در سطوح ملی و بین‌المللی و افزایش رفاقت‌مندی مخاطبان عنوان شد. حسن ریاحی، نادر مشایخی، محمد رضا تقضی، مانی جعفرزاده، به همراه همایون رحیمیان و نصیر حدیریان (رهبران ارکست‌های موسیقی ملی ایران و سمفونیک تهران در سال ۱۴۰۴) به عنوان اعضای جدید شورای هنری ارکست‌های بنیاد رودکی معرفی شدند. / **روابط عمومی**

اکران آنلاین «میرو» با داستانی از سیستان و بلوچستان



فیلم سینمایی «میرو» که از فروردین ماه روی پرده سینماهای هنر و تجربه بود، از ۲۵ تیر به صورت آنلاین به اکران خود ادامه می‌دهد. «میرو» به کارگردانی حسین ریگی و تهیه‌کنندگی سعید الهی داستان زندگی پرفراز و نشیب پسر بلوچ به نام «میرو» است که درگیر اتفاقات عجیب و غریبی برای رسیدن به یک هدف بزرگ می‌شود. سودابه بضاپی، امیررضا دلاوری، حمید ابراهیمی، آرزو تاج‌نیا، ابوالفضل همراه، مهدی دین‌محمدپور، ایوب افشار و جمعی از هنرمندان بومی استان سیستان و بلوچستان از جمله بازیگران این اثر سینمایی هستند. تهیه‌کننده این فیلم پیش‌تر با اشاره به محرومیت‌های چند دهه‌ای در استان سیستان و بلوچستان و سختی فیلمسازی در این منطقه گفته بود: «میرو» فارغ از اینکه در گیشه چه میزان فروشی داشته باشد، یک فیلم راهبردی است. / **ایستا**

خوشحال کننده است و باتوجه به پتانسل موجود در ایران من خواهم می‌کنم تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران به نسل جدید اعتماد کنند.

آنگونه که پیش از این گفتید، صدردصد لوکیشن‌ها در شهرهای نظیرآبادان، اهواز، شوشتر، سوسنگرد و... برای فیلمبرداری انتخاب شد. برای ساخت فیلم در خارج از پایتخت با چه چالش‌هایی مواجه بودید و آیا همه امکانات لازم را در اختیار داشتید؟ چه قدر از همراهی نهادهای مربوطه در خوزستان بهره بردید؟

اصالت فیلم برای من بسیار مهم بود، همانگونه که در انتخاب وقایع داستان سعی کردم از مستندات استفاده کنم یا در انتخاب بازیگران تلاش داشتم از بازیگران بومی منطقه خوزستان بهره ببرم تا شبیه به شخصیت‌های اصلی به لحاظ روح و روان و فیزیک و چهره و لهجه باشند، درباره لوکیشن نیز همین اصرار را داشتم و باز هم تشکر می‌کنم از گروه تهیه و تولید که شرایط را مهیا کرد تا ما در خوزستان کار را جلو ببریم. آن چیزی که من از دور دیدم، همکاری و همراهی مسئولان و ارگان‌های استان خوزستان بود.

نکته دیگر اینکه اتفاقی که کار را برای من، گروه تولید و صحنه آسان می‌کرد این بود که خود من اهل خوزستانم و اصلتاًآبادانی، همچنین سال‌ها فیلم کوتاه و بلند درآبادان و شهرهای دیگر ساختم و همچنین پیش از این تجربه دستیار کارگردانی درآبادان داشتم و اصولاً شناخت کامل و جامعی از لوکیشن‌های مفید و لجستیکی دارم. البته در اصل باید از گروه تهیه و تولید تشکر کرد که بار این مسأله را پذیرفتند.

شاید یکی از ویژگی‌های جالب توجه در «اسفند» همراهی مردم با نظام برای مقابله با دشمنی خارجی است. این موضوع را تا چه اندازه برای امروز ما یک مسأله مهم می‌دانید؟

بعد از دومین جنگ تحمیلی که توسط دشمن صهیونیستی به ما تحمیل شد، لزوم ارتباط مصیمی، مستمر و بی‌واسطه بین مردم و نظام ثابت شد و خدا را شکر مردم ایران این بار هم سربلند از این واقعه بیرون آمدند، بسیار خوشیار و عاقلانه عمل کردند و درواقع بازیگر کشورشان بودند اما اینکه در فیلم «اسفند» این الگو دوباره یادآوری شد، خداخواهی بود. شیوه مدیریتی شهید علی هاشمی این گونه بود که حلقه واسط بین مردم و نظام محسوب می‌شد و همین مسأله او را پیروز کرد. امیدوارم این شیوه تکثیر پیدا کند تا بتوانیم از تمامیت ارضی و آبرو و فرهنگ‌مان دفاع کنیم.



با تمرکز و عشق می‌شود غیرممکن‌ها را ممکن کرد.

این تجربه من از ساخت «اسفند»

بود. مراحل نگارش، تولید و پس‌تولید

این فیلم در واقع کار بسیار

پرمرا‌رت و سختی بود

اما با تمرکز و علاقه‌ای که

تک تک افراد گروه داشتند، این کار انجام

شد

شاید یکی از ویژگی‌های جالب توجه در «اسفند» همراهی مردم با نظام برای مقابله با دشمنی خارجی است. این موضوع را تا چه اندازه برای امروز ما یک مسأله مهم می‌دانید؟

بعد از دومین جنگ تحمیلی که توسط دشمن صهیونیستی به ما تحمیل شد، لزوم ارتباط مصیمی، مستمر و بی‌واسطه بین مردم و نظام ثابت شد و خدا را شکر مردم ایران این بار هم سربلند از این واقعه بیرون آمدند، بسیار خوشیار و عاقلانه عمل کردند و درواقع بازیگر کشورشان بودند اما اینکه در فیلم «اسفند» این الگو دوباره یادآوری شد، خداخواهی بود. شیوه مدیریتی شهید علی هاشمی این گونه بود که حلقه واسط بین مردم و نظام محسوب می‌شد و همین مسأله او را پیروز کرد. امیدوارم این شیوه تکثیر پیدا کند تا بتوانیم از تمامیت ارضی و آبرو و فرهنگ‌مان دفاع کنیم.

شاید یکی از ویژگی‌های جالب توجه در «اسفند» همراهی مردم با نظام برای مقابله با دشمنی خارجی است. این موضوع را تا چه اندازه برای امروز ما یک مسأله مهم می‌دانید؟

بعد از دومین جنگ تحمیلی که توسط دشمن صهیونیستی به ما تحمیل شد، لزوم ارتباط مصیمی، مستمر و بی‌واسطه بین مردم و نظام ثابت شد و خدا را شکر مردم ایران این بار هم سربلند از این واقعه بیرون آمدند، بسیار خوشیار و عاقلانه عمل کردند و درواقع بازیگر کشورشان بودند اما اینکه در فیلم «اسفند» این الگو دوباره یادآوری شد، خداخواهی بود. شیوه مدیریتی شهید علی هاشمی این گونه بود که حلقه واسط بین مردم و نظام محسوب می‌شد و همین مسأله او را پیروز کرد. امیدوارم این شیوه تکثیر پیدا کند تا بتوانیم از تمامیت ارضی و آبرو و فرهنگ‌مان دفاع کنیم.

شاید یکی از ویژگی‌های جالب توجه در «اسفند» همراهی مردم با نظام برای مقابله با دشمنی خارجی است. این موضوع را تا چه اندازه برای امروز ما یک مسأله مهم می‌دانید؟

بعد از دومین جنگ تحمیلی که توسط دشمن صهیونیستی به ما تحمیل شد، لزوم ارتباط مصیمی، مستمر و بی‌واسطه بین مردم و نظام ثابت شد و خدا را شکر مردم ایران این بار هم سربلند از این واقعه بیرون آمدند، بسیار خوشیار و عاقلانه عمل کردند و درواقع بازیگر کشورشان بودند اما اینکه در فیلم «اسفند» این الگو دوباره یادآوری شد، خداخواهی بود. شیوه مدیریتی شهید علی هاشمی این گونه بود که حلقه واسط بین مردم و نظام محسوب می‌شد و همین مسأله او را پیروز کرد. امیدوارم این شیوه تکثیر پیدا کند تا بتوانیم از تمامیت ارضی و آبرو و فرهنگ‌مان دفاع کنیم.

شاید یکی از ویژگی‌های جالب توجه در «اسفند» همراهی مردم با نظام برای مقابله با دشمنی خارجی است. این موضوع را تا چه اندازه برای امروز ما یک مسأله مهم می‌دانید؟

بعد از دومین جنگ تحمیلی که توسط دشمن صهیونیستی به ما تحمیل شد، لزوم ارتباط مصیمی، مستمر و بی‌واسطه بین مردم و نظام ثابت شد و خدا را شکر مردم ایران این بار هم سربلند از این واقعه بیرون آمدند، بسیار خوشیار و عاقلانه عمل کردند و درواقع بازیگر کشورشان بودند اما اینکه در فیلم «اسفند» این الگو دوباره یادآوری شد، خداخواهی بود. شیوه مدیریتی شهید علی هاشمی این گونه بود که حلقه واسط بین مردم و نظام محسوب می‌شد و همین مسأله او را پیروز کرد. امیدوارم این شیوه تکثیر پیدا کند تا بتوانیم از تمامیت ارضی و آبرو و فرهنگ‌مان دفاع کنیم.

شاید یکی از ویژگی‌های جالب توجه در «اسفند» همراهی مردم با نظام برای مقابله با دشمنی خارجی است. این موضوع را تا چه اندازه برای امروز ما یک مسأله مهم می‌دانید؟

بعد از دومین جنگ تحمیلی که توسط دشمن صهیونیستی به ما تحمیل شد، لزوم ارتباط مصیمی، مستمر و بی‌واسطه بین مردم و نظام ثابت شد و خدا را شکر مردم ایران این بار هم سربلند از این واقعه بیرون آمدند، بسیار خوشیار و عاقلانه عمل کردند و درواقع بازیگر کشورشان بودند اما اینکه در فیلم «اسفند» این الگو دوباره یادآوری شد، خداخواهی بود. شیوه مدیریتی شهید علی هاشمی این گونه بود که حلقه واسط بین مردم و نظام محسوب می‌شد و همین مسأله او را پیروز کرد. امیدوارم این شیوه تکثیر پیدا کند تا بتوانیم از تمامیت ارضی و آبرو و فرهنگ‌مان دفاع کنیم.

شاید یکی از ویژگی‌های جالب توجه در «اسفند» همراهی مردم با نظام برای مقابله با دشمنی خارجی است. این موضوع را تا چه اندازه برای امروز ما یک مسأله مهم می‌دانید؟

بعد از دومین جنگ تحمیلی که توسط دشمن صهیونیستی به ما تحمیل شد، لزوم ارتباط مصیمی، مستمر و بی‌واسطه بین مردم و نظام ثابت شد و خدا را شکر مردم ایران این بار هم سربلند از این واقعه بیرون آمدند، بسیار خوشیار و عاقلانه عمل کردند و درواقع بازیگر کشورشان بودند اما اینکه در فیلم «اسفند» این الگو دوباره یادآوری شد، خداخواهی بود. شیوه مدیریتی شهید علی هاشمی این گونه بود که حلقه واسط بین مردم و نظام محسوب می‌شد و همین مسأله او را پیروز کرد. امیدوارم این شیوه تکثیر پیدا کند تا بتوانیم از تمامیت ارضی و آبرو و فرهنگ‌مان دفاع کنیم.

شاید یکی از ویژگی‌های جالب توجه در «اسفند» همراهی مردم با نظام برای مقابله با دشمنی خارجی است. این موضوع را تا چه اندازه برای امروز ما یک مسأله مهم می‌دانید؟

بعد از دومین جنگ تحمیلی که توسط دشمن صهیونیستی به ما تحمیل شد، لزوم ارتباط مصیمی، مستمر و بی‌واسطه بین مردم و نظام ثابت شد و خدا را شکر مردم ایران این بار هم سربلند از این واقعه بیرون آمدند، بسیار خوشیار و عاقلانه عمل کردند و درواقع بازیگر کشورشان بودند اما اینکه در فیلم «اسفند» این الگو دوباره یادآوری شد، خداخواهی بود. شیوه مدیریتی شهید علی هاشمی این گونه بود که حلقه واسط بین مردم و نظام محسوب می‌شد و همین مسأله او را پیروز کرد. امیدوارم این شیوه تکثیر پیدا کند تا بتوانیم از تمامیت ارضی و آبرو و فرهنگ‌مان دفاع کنیم.

شاید یکی از ویژگی‌های جالب توجه در «اسفند» همراهی مردم با نظام برای مقابله با دشمنی خارجی است. این موضوع را تا چه اندازه برای امروز ما یک مسأله مهم می‌دانید؟

بعد از دومین جنگ تحمیلی که توسط دشمن صهیونیستی به ما تحمیل شد، لزوم ارتباط مصیمی، مستمر و بی‌واسطه بین مردم و نظام ثابت شد و خدا را شکر مردم ایران این بار هم سربلند از این واقعه بیرون آمدند، بسیار خوشیار و عاقلانه عمل کردند و درواقع بازیگر کشورشان بودند اما اینکه در فیلم «اسفند» این الگو دوباره یادآوری شد، خداخواهی بود. شیوه مدیریتی شهید علی هاشمی این گونه بود که حلقه واسط بین مردم و نظام محسوب می‌شد و همین مسأله او را پیروز کرد. امیدوارم این شیوه تکثیر پیدا کند تا بتوانیم از تمامیت ارضی و آبرو و فرهنگ‌مان دفاع کنیم.



گفت‌وگو با دانش اقباشاوی کارگردان به بهانه اکران آنلاین فیلمش در ژانر دفاع مقدس

«اسفند» راوی تاریخ جنگ است

گفت و گو

سپیده شریعت رضوی

روزنامه نگار

فیلم سینمایی «اسفند» اواسط اردیبهشت ماه روی پرده سینماهای سراسر کشور

حدود یازده ماه یعنی از آغاز تحقیق و پژوهش مصادف با بهمن ماه ۱۴۰۰ تا دی ماه ۱۴۰۱ طول کشید تا نسخه نهایی آماده شود. در این مسیر فیلمنامه چندین بار بازنویسی شد. ابتدا به سراغ پژوهش کتابخانه‌ای رفتم چراکه کتاب‌های بسیار خوبی وجود دارد که یکی از آنها «راز گمشده مجنون» و «راز گمشده نظارلو است. «قرارگاه سری نصرت»، «پنهان زیر باران» خاطرات سردار علی ناصری و چندین کتاب از آقای گلعلی بابایی به نام «زمین‌های مسلح» و «شراه‌های خورشید» از جمله آثاری بود که مطالعه کردم.

فاز مطالعاتی که تمام شد به یک طرح اولیه پنج صفحه‌ای رسیدم و پس از آن سراغ نوشتن سناریس رفتم. سپس با فرماندهان بالادستی شهید علی‌هاشمی همچون سردار احمد غلامپور و سرلشکر دکتر محسن رضایی مصاحبه داشتم که بسیار همکاری کردند. بعد از آن هم دیگر به عنوان فرمانده شناسایی عملیات بزرگ خیبر بوده است و من اسام این مرحله را خودشکوفایی گذاشتم.

در حقیقت دوست داشتم وقتی درباره قصه زندگی یک قهرمان فیلم می‌سازم از نقطه A به نقطه B برسم. ناگفته نماند که شهید علی‌هاشمی قبل از این برهه فعالیت‌هایی می‌کرد و بعد از آن هم دیگر به عنوان فرمانده تثبیت شده بود اما در این مرحله به تثبیت و خودشکوفایی رسید و همچنین این مقطع باعث قهرمان شدن شهید علی‌هاشمی در کل سازمان سپاه و جبهه ها شد.

در این راستا درباره پرداختن به مقطعی از زندگی ایشان که پیش از این گفتم، با مسئولان، خانواده شهید و سرمایه‌گذاران پروژه صحبت کردم و خدا را شکر آنها نیز پذیرفتند. از همان ابتدا تصور می‌کردم که چگونگی راه افتادن یک جنگ نه چرایی آن برای تماشاگر جذاب باشد به همین دلیل از اینکه مخاطب با فیلم ارتباط برقرار نکند، نترسیدم. خوشبختانه در زمان اکران فیلم در جشنواره فیلم فجر ۱۳۹۳ و همچنین اکران عمومی در سینماها و حال که مدتی است در پلتفرم فیلمبو به اکران آنلاین رسیده، نظرات مثبتی از مخاطبان گرفتم. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که این اثر اکشن نیست بلکه بیشتر معنایی و رازآلود است و از جزئیات مگوی جنگ برای مخاطبان می‌گوید.

نگارش فیلمنامه «اسفند» بطور پیش رفت؛ تا چه اندازه با خانواده شهید و هم‌زمان ایشان ملاقات داشتید و کمک گرفتید؟ چه قدر منابع معتبر برای نگارش قصه وجود داشت؟

فیلم به طرز عجیبی در ساختار برخلاف این گونه تولیدات چند سال

اخیر سینمای ایران از جلوه‌های ویژه رایانه‌ای و صحنه‌های انبوه حضور تانک و درگیری و غیره به صورت آگاهانه‌ای پرهیز کرده است. فضا بر خلاف پتانسیل موجود در داستان خیلی آرام است و شاید بتوان گفت از همین رو با ریتمی کند مواجه هستیم. نظر خود شما درباره این گزاره چیست؟

به قول اکبر گوروساوا ما همه سربازان را ابتدا شروع نگارش داستان می‌دانستیم برهه انتخاب شده رازآلود است و احتیاج به اکت زیاد ندارد و بالعکس سکوت می‌طلبد. طبیعتاً این انتخاب تا محصول نهایی نیز ادامه داشت.

از جایی که طرفدار شیوه فیلمسازی رئالیستی و واقع‌گرایانه هستم و علاقه‌مندم بسیار گرم و زنده برگزار شود، پس همراه با گروه تلاش کردیم صحنه‌ها را واقعی اجرا کنیم و از جلوه‌های ویژه بصری زیاد بهره نبریم اما اینکه از همین روی با ریتمی کند مواجه شده است، اعتقاد ندارم و دفاع می‌کنم که ریتم فیلم «اسفند» کند نیست به دلیل تنوع لوکیشن، رویدادهای نمایشی، تعدد شخصیت و بازگو کردن صحنه‌های جدید در سینمای جنگی ایران است. هشتاد درصد تماشاگرانی که در نظرسنجی سینماهای مردمی جشنواره فجر ۱۳۹۳ شرکت کرده بودند، می‌گفتند که «اسفند» برایشان کسل‌کننده نبوده است.

همچنین ما بعد از جشنواره فجر ۱۰ تا دقیقه فیلم را کوتاه کردیم و با وجود این اصلاً اعتقادی به کند بودن اثر ندارم. این فیلم درباره چگونگی راه انداختن یک جنگ با رمز و راز و پیچیدگی‌های آرام یک نهاد نظامی است و تصور می‌کنم برای مخاطب جذاب و معنایی است.

در مصاحبه‌ای گفته بودید که ۹۹ درصد بازیگران از خوزستان انتخاب شدند.

از شهر خودتان آبادان تا شوش دانیال و ماهشهر و رامشیر تا اندیکا. برای انتخاب بازیگر فراخوان دادید یا اینکه عزیزان را پیش از ساخت فیلم می‌شناختید؟

باید از گروه کارگردانی کار تشکر کنم که به خوزستان سفر کردند و یک ماه ماندند تا بازیگر پیدا کنند. ما در واقع فراخوان ندادیم و از تجربیاتی که خودم در زمان دستبازی داشتم، از جبهه‌ها خواستم در شهر به دنبال بازیگر بگردند. بقیه دوستان را نیز از میان کسانی که از پیش می‌شناختم و با یا آنها کار کرده بودم، انتخاب کردم.

برای هر نقشی ۱۰ تا ۱۵ نامزد انتخاب کرده و از آنها فیلم و عکس گرفته بودند تا در تهران با مشورت یکدیگر انتخاب کنیم که به ترکیب کنونی رسیدیم.